

خزان زود هنگام زندگی

هنوز دختر بچه‌ای ریزنقش بودم که در خیابان با همسالانم بازی می‌کردم. ۱۳ سال بیشتر نداشتم. خانواده‌ای فقیر بودیم که پدرم حتی برای تهیه غذای روزانه ما با مشکل مواجه بود. وقتی حمید به خواستگاری‌ام آمد برای فرار از فقر مجبور شدم با او ازدواج کنم. او مردی ۴۰ ساله بود و ما تقریباً ۳۰ سال تفاوت سنی داشتیم اما ثروت زیادی داشت. پدرم که به دنبال کم کردن نانخور از خانه بود و بقیه هم آنقدر در فقر و بدبختی بودند که بیشتر مرا تشویق می‌کردند قبول کنم و خودم را از بدبختی نجات دهم. حمید مبلغ زیادی را مهریه من کرد و با این اوصاف من تصور می‌کردم اگر با حمید ازدواج کنم خوشبختی را در آغوش گرفته‌ام. حمید هیچ‌وقت در زندگی‌اش ازدواج نکرده بود. بیشتر این سال‌ها را تنها گذرانده بود و آنقدر تنها زندگی کرده بود که دیگر نمی‌توانست کسی را در کنار خودش تحمل کند. بعد از ازدواج بود که متوجه شدم دلیل مجرد ماندن او اختلالات و بیماری‌هایی است که از نظر جنسی به آن مبتلا است و در حال حاضر نیز تنها به این دلیل که کسی کارهای خانه را انجام دهد و از او پرستاری کند ازدواج کرده است.

من و حمید هیچ حرف مشترکی با هم نداشتم که بزیم. حقیقت این است که زندگی را با هم معامله کرده بودیم و اصلاً روابط عاطفی با هم نداشتم. من در خانه می‌ماندم کارها را انجام می‌دادم و غذا می‌پختم. حمید هم از صبح زود به مغازه می‌رفت. شب که می‌آمد غذا می‌خورد و می‌خوابید. حمید آن قدر با من سرد برخورد می‌کرد که حتی نمی‌توانستم با او درد و دل کنم، هر وقت هم صحبت می‌کردیم سرم فریاد می‌کشید و می‌گفت تو یک بچه هستی و من هیچ حرفی برای گفتن با تو ندارم. شوهرم رفتار بسیار خوبی با دیگران دارد. هر بار خانواده‌ام می‌آمدند طوری با من رفتار می‌کرد که انگار در آن خانه مثل یک شاهزاده زندگی می‌کنم در حالی که اینطور نبود. با من همیشه مثل یک خدمتکار رفتار می‌شد. وقتی بزرگ شدم و فهمیدم که علاوه بر پول مسائل دیگری هم در زندگی مطرح است دیگر تحمل زندگی برایم سخت شد. من در سنی هستم که باید چیزهای جدیدی را تجربه کنم.

سال‌های عمرم که می‌توانستم پیشرفت کنم و به جایی برسم در خانه حمید به کار خانه گذشت. دلم نمی‌خواهد سال‌های باقی مانده را بدون هیچ هدفی ادامه دهم.

حمید از قبل بیمار بود ولی من به این مسأله ناآگاه بودم و همین بیماری نیز او را مجبور به ازدواج با یک شخص جوان کرده بود که از پس پرستاری از او برآید. چند ماه قبل از ازدواج پزشک به او گفته بود که به بیماری ام‌اس دچار شده است و به مرور زمان توانایی حرکت کردن را از دست می‌دهد. اکنون هم او نمی‌تواند به درستی حرکت کند. من دیگر حمید را دوست ندارم و آنقدر از او دلگیرم که نمی‌توانم کمکش کنم. زمانی که من بچه بودم و نمی‌توانستم تصمیم درستی بگیرم او مرا به عقد خود در آورد و در مورد بیماری جنسی و ام‌اس به من چیزی نگفت. حمید هیچ وقت فکر نکرد کاری که می‌کند اشتباه است. حالا چرا من باید فکر کنم زمانی که او به من احتیاج دارد ترک کردنش می‌تواند کار اشتباهی باشد. آیا از من توقع می‌رود که بقیه سال‌های عمرم را نیز به علت مراقبت از یک انسان دروغگو هدر بدهم.

خانواده‌ام با جدانشدن من مخالف هستند. فکر می‌کنند که اگر از حمید جدا شوم به خانه آن‌ها برمی‌گردم، در حالی که این طور نیست. من با پول مهریه‌ام خانه‌ای اجاره می‌کنم، کار می‌کنم و هزینه‌هایم را تأمین می‌کنم. در زندگی پردرد من خانواده‌ام هم مقصر بودند پس چطور می‌توانم دوباره به خانه‌ای برگردم که عامل شکست در زندگی‌ام بوده‌اند. آن‌ها حمید را دوست داشتند و اگر من از زندگی‌ام گلایه‌ای می‌کردم از حمید پشتیبانی می‌کردند.

اسلاید ۱:

خزان زودهنگام زندگی

اسلاید ۲:

سمانه دختر بچه‌ای ریزنقش است که در خیابان با همسالانش بازی می‌کند. او ۱۳ سال بیشتر ندارد. آیا می‌تواند درک صحیحی از ازدواج داشته باشد؟

اسلاید ۳:

دقت کنید:

افراد کم‌سن با واقعیت‌های زندگی آشنایی کمتری دارند. ذهنیتشان توسعه‌نیافته است. پس از ازدواج وقتی زندگی چهره خشن خود را نشان داد دچار مشکل می‌شوند.

توضیح: یکی از مشکلات در تشکیل خانواده ازدواج پیش‌رس در دوره نوجوانی و کم‌تجربگی است. این سندرم نوجوانی از دست‌رفته به حساب می‌آید و به دلیل مشکلات اوایل ازدواج حسرتی طولانی را برای جوان به جای می‌گذارد. این نارضایتی دائمی از زندگی خانوادگی حاصل انتخاب نادرست همسر یا ازدواج در سنین پایین است. به علاوه تلخکامی این همسران بر رشد و شکل‌گیری هویت و شخصیت فرزندان نیز تأثیر منفی می‌گذارد. ادامه چنین زندگی با مشکلات گوناگونی مواجه است و اگر به جدایی هم نینجامد باز هم معمولاً آثار مخرب خود را بر سازمان روانی اینگونه والدین و فرزندان آن‌ها بر جای خواهد گذاشت.

اسلاید ۴:

حمید مردی ۴۰ ساله است و تقریباً ۳۰ سال با سمانه تفاوت سنی دارد. آیا وجود شکاف سنی بین زوجین برای زندگی مشترک آسیب به شمار می‌آید؟ آری

اسلاید ۵:

هشدار

اختلاف سنی دختر و پسر نباید آنقدر زیاد باشد که دوره رشدی آن‌ها متفاوت شود و در علاقه‌ها، سرگرمی‌ها، طرز نگرش و بینش و انرژی‌های روانی با هم متفاوت و یا احتمالاً درگیر شوند. دیدگاه مرد با سن بالا توأم با تجربه و احتیاط است و دیدگاه دختر نوجوان ریسک و فعالیت‌های نو و بدیع است.

اسلاید ۶:

آیا می‌دانید:

ازدواج زوجه در سن پایین و تفاوت سنی زیاد بین زوجین چه آثار دیگری می تواند در پی داشته باشد؟

اسلاید ۷:

* فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آور است و نمی تواند به راحتی مشکلات خود را با همسرش در میان بگذارد لذا حرف های ناگفته بسیار است و سخنان ناگفته بر دل فرد رنجیده سنگینی می کند و او را افسرده می کند در حالی که درددل کردن به آرامش فرد کمک می کند.

اسلاید ۸:

* فرد کوچکتر دچار ترس و وحشت می شود و این هنگامی اتفاق می افتد که مرد خانواده از سن و سال بیشتری برخوردار است.

توضیح: فاصله زیاد سنی که به شکاف سنی تعبیر می شود، عاملی است که در صورت ترکیب با عوامل منفی دیگر می تواند ابعاد کمی و کیفی زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. فاصله سنی زیاد بین زوجین با خود فاصله عمیق اجتماعی را به همراه دارد و احتمال آسیب رسیدن به سلامت و دوام خانواده را بسیار افزایش می دهد. تناسب سن میان زن و مرد آن دو را از نظر نیازها و علایق به هم نزدیک تر می کند و طبیعتاً در چنین شرایطی توقعات و انتظاراتشان از یکدیگر نیز واقع بینانه تر خواهد بود.

اسلاید ۹:

* تفاوت سنی جو تفاهم بین زوجین را اغلب تبدیل به رابطه مربی و شاگرد می کند به طوری که فرد مسن تر همیشه احساس می کند زوجه خود را باید تربیت کند و بر او حاکمیت عقلی و فکری دارد. با پایین بودن سن زوجه از حدود متعارف، این مشکل مضاعف خواهد شد.

اسلاید ۱۰:

* تفاوت در میل جنسی و نحوه ارضاء آن، جوانی که در کنار پیری نیاز به ارضای غرایز جنسی دارد و او توانایی این کار را ندارد جز ملال و سرخوردگی در ازدواج چیز دیگری نصیبش نمی شود. این عدم توازن و تناسب به اعصاب و روان آنان لطمه های سنگینی می زند.

اسلاید ۱۱:

سمانه می گوید:

حمید ثروت زیادی داشت. وقتی به خواستگاری ام آمد برای فرار از فقر مجبور شدم با او ازدواج کنم.

آیا سمانه انگیزه صحیحی برای انتخاب همسر داشت؟

خیر

اسلاید ۱۲:

آیا ثروت حمید درد ناشی از فقر سمانه را التیام بخشید؟

از زبان خودش بشنوید:

...وقتی بزرگ شدم و فهمیدم که علاوه بر پول مسائل دیگری هم در زندگی مطرح است دیگر تحمل زندگی برایم سخت شد.

چرا؟

اسلاید ۱۳:

پاسخ:

سمانه می گوید:

بعد از ازدواج بود که متوجه شدم دلیل مجرد ماندن او اختلالات و بیماری‌هایی است که از نظر جنسی به آن مبتلا است.

اسلاید ۱۴:

دقت کنید:

حمید در بیان اختلالات جنسی و بیماری ام اس خود قبل از ازدواج صداقت ندارد. عدم صداقت در بیان بیماری‌ها و ناتوانایی‌ها از طرف زوجین قبل از ازدواج موجب انتخاب غیر صحیح و در نتیجه ناپایداری ازدواج خواهد بود.

اسلاید ۱۴:

توجه!!

مسائل جنسی یکی از ارکان اصلی و بنیادین زندگی زناشویی است. رابطه جنسی وسیله تظاهرات صمیمانه، عشقی، آرامش و ارتباط است که با احساس امنیت همراه با حس وابستگی به یکدیگر و ارضای خاطر و غلبه بر تنهایی و جدایی است.

اسلاید ۱۵:

هشدار

رضایت جنسی زوجین از همدیگر باعث می‌شود سپاسگزار هم باشند و با دلگرمی به وظایف و مسوولیت‌های خود عمل کنند و مشکلات زندگی را تحمل نمایند اما اگر در این مورد ناراضی باشند از هم متنفر می‌شوند و از انجام مسوولیت‌های زندگی دلسرد می‌گردند.

اسلاید ۱۶:

حمید به بیماری ام اس مبتلا بود ولی این را از سمانه مخفی کرده بود.

به نظر شما:

آیا راهی برای جلوگیری از بروز این مشکل وجود داشت؟
آری

اسلاید ۱۷:

نکته:

معاینات قبل از ازدواج و اطمینان از سلامت جسمی و روانی طرفین به آرامش خانوادگی و جلوگیری از اختلافات کمک خواهد کرد.

اسلاید ۱۸:

سمانه ادامه می‌دهد.....

حمید هیچ‌وقت فکر نکرد کاری که می‌کند اشتباه است.

....آیا باید بقیه سال‌های عمرم را برای مراقبت از یک انسان دروغگو هدر دهم.

اسلاید ۱۹:

توجه کنید:

امثال حمید گمان می‌کنند اگر توانسته‌اند جسم جوانی را بر اثر فقر مادی خریداری کنند می‌توانند روح و قلب آن را نیز زیر سلطه خود قرار دهند در حالی که خیالی است باطل، چرا که عواطف یک دختر و پسر جوان را با پول نمی‌توان خرید و نیازهای عاطفی و جنسی با پول برآورده نمی‌شود. این‌گونه ازدواج‌ها به علت فقدان تفاهم که ضامن بقا و دوام زندگی زناشویی می‌باشد و به علت خواسته‌ها، نیازها، تفکرات و احساسات متفاوت بین آن‌ها نمی‌تواند ادامه پیدا کند.

اسلاید ۲۰:

سمانه در مسیر جدایی با چه مشکلاتی روبرو است؟

اسلاید ۲۱:

اگر حمید خواسته او را بپذیرد:

حکم طلاق توافقی صادر خواهد شد ولی معمولاً توافقات صورت گرفته به نفع زوجه نیست و او مجبور است برای جلب توافق زوج از بسیاری حق و حقوق خود بگذرد..

اسلاید ۲۲:

اگر حمید با خواسته طلاق سمانه موافق نباشد:

او باید راهی مملو از تنش روحی و روانی طولانی و پر پیچ و خم را به تنهایی طی کند و در این راه هزینه‌های گزافی بپردازد. راهی که موفقیت در آن حتمی نیست.

اسلاید ۲۳:

زیرا:

- * سمانه باید ثابت کند ضمن عقد ازدواج سلامت کامل حمید را شرط کرده است.
- * او باید ثابت کند بلافاصله پس از اطلاع از بیماری حمید عقد نکاح را فسخ کرده است.
- * در صورت عدم امکان اثبات موارد فوق او نمی‌تواند تفاوت سنی و کمبود توجه عاطفی و جنسی حمید به خود را به عنوان دلیل طلاق در دادگاه مطرح کند. چون از موارد جواز طلاق زوجه محسوب نمی‌شود.
- * تنها در صورتی می‌تواند طبق شروط ضمن عقد مندرج در دفترچه‌های نکاحیه تقاضای طلاق کند که عقیم بودن حمید و یا ناتوانی کامل جنسی او را ثابت نماید.

اسلاید ۲۴:

نتیجه آن‌که:

سمانه و حمید باید سال‌ها بلا تکلیف و سردرگم بمانند تا شاید به توافق دست یابند